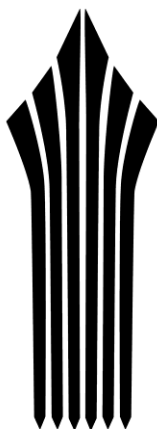


به نام یگانه ی هستی بخش



دانشگاه جامع علمی کاربردی

دانشگاه علمی کاربردی واحد 13

نام درس: آسیب شناسی فرهنگی و اجتماعی

مدرس : ناهید خوشنویس

پاییز 1396

دوستان مطالبی که تحت عنوان مطالب اضافه شده داخل پرانتز قرار گرفته اند، مطالبی هستند که استاد سر کلاس مطرح نمودند .

مفهوم آسیب های اجتماعی چیست؟

آسیب شناسی اجتماعی **social-pathology** مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری های عضوی و آسیب های اجتماعی (کجروپها) قائل می شوند. واژه آسیب شناسی از دیدگاه پزشکی به فرایند ریشه یابی بیماری ها گفته می شود تعریف کلمه آسیب: ریشه ی یونانی رنج محنت احساسات و غضب **Path** دانش شناخت **logy** مرض شناسی (علم تشخیص امراض) **pathology**. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیر رسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی گیرد و در نتیجه با منبع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرومی گردد. به همین دلیل ، کجروان سعی دارند کجروی ها خود را از دید ناظران قانون ، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند ؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی ، تکفیر اخلاقی ، طرد اجتماعی مواجه می شوند.

آکسفورد

آسیب شناسی مطالعه علمی آسیب ها ، بیماری ها و اختلالات است آسیب شناسی موقعیت و یا حالتی زیست شناختی است که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است آسیب شناسی اجتماعی هر گاه در یک نظام اجتماعی رفتاری بطور مشخص با هنجارها و ارزش های اجتماعی تعارض پیدا کند که موجب کاهش یا از دست دادن کارایی و عملکرد فرد ، خانواده یا گروه های اجتماعی شود ، این پدیده آسیب اجتماعی نامیده می شود.

تعریف اجزای آسیب شناسی هنجار **norm**

1) رسمی

2) غیر رسمی

ارزش **value**

1) فردی

2) گروهی

گروه های اجتماعی **social group** هنجار شیوه های رفتار ، عمل یا اندیشه که در جامعه ای پذیرفته شده و انطباق با آن در فرآیند اجتماعی شدن فرد تحقق دارد همه ی افراد ملزم به رعایت آن هستند و این رعایت و الزام به آن ، از طرق مختلف بر افراد تحمیل می شود.

انواع هنجار

1) هنجار رسمی

توسط مراجع قانونی و قانون گذار به سبب ایجاد نظم و انضباط در جامعه وضع می شود که تخطی از آن ها موجب جریمه و تنبیه می شود (تخلفات راهنمایی و رانندگی)

2) هنجار غیر رسمی

آن دسته از انحرافات که توسط یک گروه یا اعضای خانواده به منظور برقراری نظم داخلی در صورت نقض آن توسط فرد قابل اغماض می باشد ، اگرچه می تواند جریمه یا تنبیه نیز داشته باشد (بی احترامی به بزرگ تر ها)

ارزش value

ارزش مجموعه ای آرمانی هستند که درباره آنچه که درست یا نادرست ، شایسته یا ناشایست، مطلوب یا نا مطلوب ، خوب یا بد باشد در واقع هر چیزی که برای فرد یا جامعه مورد نیاز محترم و مقدس و مطلوب تلقی می شود

▶ نجابت

▶ درستکاری

▶ شرافت

▶ احترام به حقوق دیگران

(مطالب اضافه شده : پاتولوژی از علوم طبیعی واز اندام شناسی و مرض شناسی بدن گرفته شده است. هر چیزی که باعث وجود ناهنجاری در بدن شود، آسیب است. همینطور هر رفتاری که باعث شود هنجارها مختل شود آسیب می باشد. در کل به رفتاری که هنجارهای جامعه را زیر پا می گذارد آسیب اجتماعی می باشد. مثل بی احترامی به والدین. ارزش مانند : نجابت ، احترام به قوانین رانندگی، احترام به والدین، وفاداری این موارد ارزش هستند . وفاداری ارزش است، اگر به همسر وفادار باشم هنجار است اگر وفادار نباشم ناهنجاری است.

عمل کردن به ارزشها می شود هنجارها. گاهی ارزشها فقط در یک جامعه معنا پیدا می کند زیرا میتواند در هر جامعه ای ارزشها متفاوت باشد. بعد عملی ارزشها هنجار است.)

دو نوع هنجار داریم : هنجار رسمی – هنجار غیررسمی

هنجار رسمی : هنجارهایی که از بالادستها قانونمند می شود یعنی یک سری قوانین وضع میکنند که جامعه منظم و قانونمند شود. برای هر جرمی جزایی تعیین می شود و قانونمداران جامعه آنها را وضع میکنند. مثلا برای دزدی یک مجازات در نظر گرفته شده، برای قتل مجازات دیگری در نظر گرفته شده.

هنجار غیررسمی : مختص جامعه های کوچکتر است. مثل طایفه، خانواده، خانه مثل در صف نوبت را رعایت نکنیم درجایی نوشته نشده که مجازاتی برایش در نظر گرفته شده .

هنجارهای رسمی از بالای جامعه بزرگ مشخص شده ومجازاتش معلومه و هنجارهای غیررسمی مال جامعه های کوچکتر است و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده.)

- 1- فردی : هر فردی برای خودش دارد. مثلاً هرکسی کاری یا عادت را برای خودش ارزش میداند.
 - 2- گروهی : بعضی از ارزشهای گروهی است.
- گروههای اجتماعی :** یک عده از افراد که در کنار هم هدفی دنبال می کنند در کنار آمدن آنها یک اتحاد ایجاد می کند و رفتار آنها رفتار جمعی است.

گروه های اجتماعی social group

- ▶ عده ای از افراد انسانی که برای نیل به هدف خاصی ،اقدامات متقابلی انجام می دهند
- ▶ با نفوذ در یکدیگر و وابستگی بهم ، اتحاد و یگانگی می یابند
- ▶ با هماهنگی و تجانس در رفتار اعضای گروه ، رفتار مشترک گروهی و رفتار جمعی حاصل می شود

عوامل موثر بر آسیب های اجتماعی

عوامل زیستی تأثیرات ژنتیک	عوامل روانی (عاطفه - شناخت - تجربه - تفکر)
عوامل اجتماعی (خانواده - اقتصاد - رسانه ها - مهاجرت و ...)	عوامل فرهنگی (اوضاع فرهنگی - خرده فرهنگ ها - قومی - نژادی)

- ▶ **عوامل زیستی:** جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و...
- ▶ **عوامل روانی:** حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی، قدرت طلبی، کم رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری های روانی و...
- ▶ **عوامل محیطی و فرهنگی:** اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و...
- ▶ **عوامل اجتماعی:** خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و...
- ▶
- ▶
- ▶
- ▶

► علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به دو دسته عمده تقسیم نمود:

1. عوامل معطوف به شخصیت، و عوامل فردی؛

2. عوامل اجتماعی.

الف. عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن ها اشاره می شود خودمحوری، پرخاشگری، هنجارشکنی و عدم احساس مسئولیت می باشد. این گونه افراد به پیامد عمل خود نمی اندیشند، در کارهای خود بی پروا و بی ملاحظه هستند و در پند گرفتن از تجربیات، بسیار ضعیف بوده و در قضاوت های خود یک سویه می باشند. این نوع شخصیت ها عمدتاً از محیط اجتماع، خانه و مدرسه فرار کرده، پای بند قواعد، مقررات و هنجارهای اجتماعی نیستند و به دنبال هر چیزی می روند که جلب توجه کند. حتی در پوشش و سبک و شکل ظاهری خویش، به ویژه در شیوه لباس پوشیدن، آرایش مو و صورت به گونه ای که خلاف قاعده و خلاف سبک مرسوم سایر افراد اجتماع باشد، عمل می کنند تا جلب توجه نمایند. پیوسته به تمجید و توجه دیگران نیازمندند و در روابط خود با مردم به نیازها و احساسات آنان توجه نمی کنند. این افراد اغلب با رؤیاهایی در مورد موفقیت نامحدود و درخشان، قدرت، زیبایی و روابط عاشقانه آرمانی سرگرم اند. اغلب این افراد والدینی داشته اند که از نظر عاطفی نسبت به آنان بی توجه اند یا سرد و طردکننده بوده و یا بیش از حدّ به آنان محبت کرده و ارج می نهند. آنان به علت سرکوب خواسته ها و فقدان ارضای تمایلات درونی، از کانون خانواده بیزار شده و به رفتارهای نابهنجار نظیر فرار از خانه، ترک تحصیل، سرقت و اعتیاد گرایش پیدا می کنند. گروهی نیز افرادی برون گرا و به دنبال لذت جویی آنی هستند، دم را غنیمت می شمارند، دوست دارد در انواع میهمانی ها و جشن ها شرکت کنند، تشنه هیجان و ماجراجویی اند، به همین دلیل برای لذت جویی دست به اعمال خلاف و بزهکارانه می زنند مشکلات روحی - روانی که منجر به رفتارهای ضداجتماعی می شود، می توان به:

ضعف عزت نفس، احساس کهنتری، فقدان اعتماد به نفس، احساس عدم جذابیت، افسردگی شدید، شیدایی و اختلال خلقی اشاره نمود. چنین افرادی معمولاً مستعد انجام رفتارهای نسنجیده و انحرافی هستند.

ب. عوامل اجتماعی

در بررسی آسیب ها و انحرافات اجتماعی، به عنوان یک پدیده اجتماعی، به علل اجتماعی انحرافات می پردازیم. به هر حال، عوامل متعددی در این زمینه نقش دارند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می گردد:

1. عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال 1959 صورت گرفته است، 72 درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزارده و 53 درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است. بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

2. آشفتگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و.. جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار ناملايمات می شوند .

آسیب های اجتماعی از چند جنبه قابل بررسی هستند :

1 از زاویه انسان ، که هر انسان با هر دین و آئین و اعتقاد و فکر ، و مذهب و گرایش و مسلک و ارتباط با جناح یا حزب خاصی یا با ترحم یا با هدایت و یا با همراهی اعتقاد دارند که به گروههای آسیب پذیر یاری نمایند . مثلاً هر انسانی دوست دارد به پیر مرد یا پیرزنی کمک کند و هر انسانی دوست دارد به نابینایی کمک کند و...

2 از زاویه اجتماعی اگر به این آسیب های اجتماعی بموقع رسیدگی نشود افزایش جرم و جنایت را در پی دارد که مخرب انضباط اجتماعی است

3 از جنبه سیاسی ، که اگر توجه نشود کشور را به دامن بیگانگان سوق می دهد و بجای فرهنگ خودی فرهنگ بیگانه در کشور پیاده می شود و به اعتقادات دینی و مذهبی جامعه لطمه وارد می نماید ، وجود آسیب های اجتماعی ، بزرگنمایی و تبلیغات دشمنان کشور را در پی دارد ضمن آنکه وجود آسیب های اجتماعی در کشور اسلامی عامل تبلیغ منفی بر ضد اسلام است لذا لازم است که آسیب های اجتماعی ریشه یابی شود و از کلی گویی در جامعه پرهیز گردد و با ارائه راهکارها ی مدرن به جزئیات آسیب های اجتماعی توجه شود.

همه اینها سوالاتی هستند که در حوزه آسیب شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرند.

▶ چه چیزی به عنوان آسیب شناخته می شود؟

▶ حدود آن چقدر است؟

▶ عوامل زمینه ساز و علل آشکار کننده آن کدامها هستند؟

▶ در کدام طبقات گسترش بیشتری دارند؟

▶ در کدام سنین گسترش بیشتری دارند؟

▶ توانایی جامعه برای کنترل و نظارت بر آنها چقدر است؟

▶ از چه راههایی می توان به کاهش آنها مبادرت کرد؟

عوامل موثر بر آسیب های اجتماعی

<p>عوامل زیستی بحث ژنتیک و وراثت</p>	<p>عوامل روانی بعد روحی و روانی دارد</p>
<p>عوامل اجتماعی رسانه، خانواده، اقتصاد، مهاجرت</p>	<p>عوامل فرهنگی فرهنگ جامعه ای که در آن زندگی می کنیم مثلا در تهران، طلاق گرفتن عادی شده ولی در بعضی شهرستانها طلاق را ننگ می دانند. پس این آسیب ها بستگی به عوامل فرهنگی دارد.</p>

آسیب های اجتماعی از سه جنبه اهمیت دارد :

انسانی - اجتماعی - سیاسی

1- آسیب های انسانی : همه ما به عنوان یک انسان یک عقیده ، یک احساس و عاطفه ای داریم. به خاطر نگرشی که داریم خودمان آسیب اجتماعی را بارور می کنیم. مثلاً با کمک به کودکان متکدی سرچهارراهها باعث تشدید بحران میشود.

2- آسیب های اجتماعی : شهر ما وقتی دزد، معتاد داشته باشد هم جلوه آن زشت می شود و هم باعث پسرقت جامعه می شود. این یک آسیب اجتماعی است.

3- آسیب های سیاسی : که در میان جوامع جهانی یک ضد تبلیغ برای جامعه است و مورد سوء استفاده کشورهای دیگر می شود. مثلاً نخبه های ما را جذب میکنند و این مهاجرت یک آسیب اجتماعی است.

در بحث آسیب شناسی باید سوالات زیر مطرح و پاسخ داده شود:

آسیب چیست؟ چه چیزی بعنوان آسیب شناخته می شود؟

حدود آسیب اجتماعی چقدر است؟ منظور رعایت حد و مرز است. هر چیزی اگر از حد بگذرد یک آسیب اجتماعی است. مثل عدم رعایت حجاب یک آسیب اجتماعی است. در هر چیزی که افراط و تفریط شود باعث آسیب اجتماعی می شود. آسیب اجتماعی در فضای اجتماعی یک حد و مرزی دارد

عوامل زمینه ساز آسیب اجتماعی ؟ و اینکه بیشتر در کدام طبقه وجود دارد؟ در بین چه سنی و چه جنسی بیشتر است؟

در کل چه راهکارهایی پیشنهاد میشود که این آسیب ها کمتر شود.

اهمیت آسیب شناسی اجتماعی

هر جامعه‌ای متناسب با شرایط خود، فرهنگ، رشد و انحطاط خود با انواعی از انحرافات و مشکلات روبروست که تأثیرات مخربی روی فرآیند ترقی آن جامعه دارد. شناخت چنین عواملی می‌تواند مسیر حرکت جامعه را بسوی ترقی و تعامل هموار سازد، بطوری که علاوه بر درک عمل آنها و جلوگیری از تداوم آن عمل با ارائه راه‌حلهایی به سلامت جامعه کمک نماید. به عنوان مثال مسأله اعتیاد را در نظر بگیریم. این مسأله هم به عنوان یک مشکل فردی و هم یک معضل اجتماعی مطرح است. روشن است در سطح اجتماعی منجر به از بین رفتن نیروها و انرژی بارآور جامعه می‌شود. شناسایی علل اساسی و کنترل آنها می‌تواند بسیاری از نیروهای از دست رفته جامعه را تجدید نموده، در مسیر کار سالم جامعه هدایت کند.

هدف‌ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را چنین می‌توان بر شمرد:

1 مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و انگیزه‌های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کژرفتاران و ویژگی‌های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان.

2 شناخت درست درد‌ها و آسیب‌ها، نخسین شرط چاره‌جویی و بیش از نیمی از درمان است؛ درد تشخیص ناداده را درمان نتوان کرد؛ زیرا هر گونه ساختن بدون شناختن، تیر در تاریکی رها کردن است

3 پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده‌تر، عملی‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می‌باشد.

علل و عوامل ایجاد آسیب‌های اجتماعی

یکی از علت‌های اصلی آن را مسائل اقتصادی دانست و افزود: «با برنامه‌ریزی دقیق می‌توان موانع اقتصادی را برطرف کرد. اما علل اجتماعی را نباید نادیده گرفت. فقدان سرمایه اجتماعی و یا تقلیل رفتن آن از علل ایجاد آسیب‌های اجتماعی است». باید به این ضرب‌المثل که "خیلی زرنگی مواظب کلاه خودت باش تا باد نبرد" اشاره کرد و گفت: «این حرف در ذهن تک‌تک ما ایجاد شده که تنها به رفاه و منافع خودمان فکر کنیم. در صورتی که قبلاً اینگونه نبوده است».

1- فقر فرهنگی

فقر از جمله عوامل فرهنگی در بروز آسیب‌های اجتماعی است: «دین اسلامی دین مداراست، پیامبر اسلام، پیامبر رحمت است، فرهنگ ما نیز فرهنگ غنی ایثار، محبت، صفا و صمیمیت است. علاوه بر فرهنگ اسلامی، در فرهنگ ایرانی نیز جز این‌ها نیامده است، مگر پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک غیر از این می‌گوید. این فرهنگ اسلامی و ایرانی با این ویژگی‌های مثبت باید از ابتدایی‌ترین سطح در کتاب‌ها و زندگی تک‌تک ما وارد شود».

2- بحران هویت جوانان

بحران هویت جوانان هم در بروز آسیب‌های اجتماعی تأثیر گذار است. جوان ما بین خانواده، مدرسه و جامعه سرگردان است، خود ما بستر ساز این بحران هویت هستیم، از نوجوان 16 ساله چه انتظاری داریم وقتی در این فضاهای متناقض قرار می‌گیرد

راه حل رفع آسیب های اجتماعی

آسیب های اجتماعی را مثل یک زخم است که اگر آن را از جریان هوا دور نگهداریم، آلوده و عمیق تر می شود. راه حل رفع آسیب های اجتماعی را کار کردن بدون حب و بغض می باشد «که نمی توانیم روی آسیب های اجتماعی سرپوش بگذاریم بلکه باید توان علمی خود را بکار بگیریم و علل آن را بشناسیم، سپس ارائه طریق کنیم

نظریه «کنترل» دورکیم

بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همنوایی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفتگی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است.

3- طرد اجتماعی

▶ چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

4- نوع شغل

از دیگر متغیرهایی ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند.

5- بی کاری و عدم اشتغال

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامان انواع

کجروی های اجتماعی کشیده شوند. علاوه بر این، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

6- فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوای طلبی را در فرزندان فراهم می سازد. این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند. از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت صحیح و شایسته آن ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه ای برخی زندگی ها و نمایش فاصله های طبقاتی توسط رسانه ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند. در یک پژوهش صورت گرفته در استان قم در ارتباط با علل و عوامل سرقت در میان جوانان قمی، سارقان مورد مطالعه چنین پاسخ داده اند «اگر شغل مناسبی داشتم»؛ «اگر از نظر مالی بی نیاز بودم» و «اگر مسکن مناسبی داشتم» دست به سرقت نمی زد.

7- دوستان ناباب

گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می گیرد..

ساترلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می شود و همان گونه که همنوایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با

آن انطباق می دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می شوند. این نظریه تأکید می کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد همنوا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد. اما اینکه کدام یک از آن دو گروه، فرهنگ خود را منتقل می کنند و تأثیر می گذارند به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که این عوامل عبارتند از:

1. شدت تماس با دیگران: احتمال انحراف فرد در اثر تماس با دوستان یا اعضای خانواده منحرف خود، به مراتب بیشتر است تا در اثر تماس با آشنایان یا همکاران منحرف خود؛
2. سن زمان تماس: تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است؛
3. میزان تماس با منحرفان در مقایسه با تماس با همنوایان: هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به همنوایان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود.²

8- محیط

محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد. در پیدایش هر جرمی، با تحلیل دقیق، به این نتیجه می رسیم که محیط اجتماعی بستر کاملاً مناسبی برای فرد بزهکار فراهم آورده و عامل مهمی برای پیدایش رفتار مجرمانه توسط وی بوده است. اگر فساد و تباهی و بی بند و باری بر جامعه حاکم باشد، افراد مستعد در گرداب تباهی های آن اسیر می شوند و اگر نظام اجتماعی بر معیارها و الگوهای ارزشی استوار باشد و برنامه های هدف دار و مشخصی طرح ریزی گردد، امکان انحراف اجتماعی در جامعه و در میان افراد بسیار ضعیف خواهد بود.

9- فقر فرهنگی و تربیت نادرست

فقر فرهنگی و تربیت نادرست از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتغال به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و

اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود

10- رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است. از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه های ماهواره ای خارجی، با مضامین زندگی های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط، رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است هدف ها و مقاصد آسیب شناسی اجتماعی را چنین می توان بر شمرد:

1. مطالعه و شناخت آسیب های اجتماعی و علل و انگیزه های پیدایی آنها و نیز بررسی شخصیت کثرفتاران و ویژگی های جسمانی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آنان
2. پیشگیری از آسیب های اجتماعی به منظور بهسازی محیط زندگی و جمعی خانوادگی. از آنجا که پیشگیری همواره ساده تر، عملی تر و کم هزینه تر از درمان است، دارای اهمیت بسیار می باشد.
3. درمان آسیب دیدگان اجتماعی یا بکارگیری روش های علمی و استفاده از شیوه های مناسب برای قطع ریشه ها و انگیزه های آنان.
4. تداوم درمان برای پیشگیری و جلوگیری از بازگشت مجدد کثرفتاری و بررسی شیوه های بازپذیری اجتماعی. در عصر ما پیشگیری مهمتر از درمان است. بسیاری از آسیب شناسان اجتماعی برآنند که برای مبارزه با کثرفتاری ها باید زمینه اجتماعی آنها را از میان برداشت و برای حصول این منظور رعایت دو اصل ضروری است
(مطالب اضافه شده: روانشناسی عمومی
روانشناسی اجتماعی رابطه من با گروه است، کنش و واکنش من به گروه
روانشناسی فردی به خود من بستگی دارد.

مثلا در مورد یک فرد معتاد باید به شناخت عوامل زیر پرداخت:

- 1- علت آسیب
- 2- پیشگیری
- 3- درمان

کج روی اجتماعی : آدمی که هنجارها را زیر پا میگذارند و کج روی اجتماعی انجام میدهد آدمهای ناهمنوا هستند. از کجا متوجه بشویم که موضوعی آسیب اجتماعی است؟

- 1- ملاک آماری : در جامعه آگه اکثریت مردم کاری را نادرست بدانند ناهنجاری است. اگر کاری را درست بدانند هنجار است. اکثریت مردم میدانند که انواع اعتیاد آسیب اجتماعی است. پس اعتیاد ناهنجاری است.
- 2- ملاک دینی : دین ملاک دیگری برای تشخیص هنجارها و ناهنجاریهاست، افراد جامعه بر سر هنجار یا ناهنجاری موضوعی با معیارهای دینی آنرا می سنجدند و همه ادیان و مذاهب را دربرمیگیرد. مثلا در اسلام در ماه رمضان نباید در انتظار چیزی خورد و در غیراینصورت یک ناهنجاری است از بعد دینی. رعایت حجاب هنجار است و اگر از فرم خارج بشویم ناهنجاری است.
- 3- ملاک اجتماعی : وقتی رفتار فرد با هنجارها و سنتهای جامعه و انتظارات اجتماع یا سازمانی مغایرت دارد، معیاری برای تشخیص رفتار ناهنجار و هنجار است.

عوامل پیدایش آسیب اجتماعی :

علت آسیبهها ریشه آسیب ها

- 1- **بعد شخصیتی :** برخی آدمها پرخاشگر هستند ، کلاً خودمحور هستند/ جسور هستند/ به از تجربه دیگران استفاده نمی کنند/ خودشان تجربه میکنند بدون فکر/ مثلا کسی که با خودمحوری طلاق می گیرند و از تجارب و نصیحتهای دیگران استفاده نمی کنند. معمولا این آدمها نوع پوششان هم با دیگران فرق دارد دنبال جلب توجه هستند و کار خود را درست می دانند. اینها مشکل ریشه ای دارند معمولاً این افراد دو دسته هستند : یا کلا به وسیله پدر و مادر طرد و رها شده اند. یا برعکس در کانون توجه و محبت بی حد پدر و مادر قرار داشتند.
- 2- **آدمهایی که دنبال لذت هستند :** لذت آنی - هرکاری دلش بخواهد انجام میدهد چون فکر میکند باید سهم خود را از دنیا بگیرد و ناخودآگاه هیچ چیز را ناهنجاری نمی داند و هرکاری انجام میدهد . مثلاً استفاده از مشروبات الکلی و مواد مخدر. مشکلات روحی این دسته از آدمها : **ضعف عزت نفس- اعتماد به نفس - شیدایی**
- **عزت نفس یعنی برای خودت احترام و عزت و ارزش قائل باشی و یا برای دیگران احترام قائل باشی حتی برای یک بچه کوچک**

- اعتماد به نفس یعنی به توانایی های خودم اعتماد دارم من می دانم که میتوانم کاری را به بهترین نحو انجام بدهم.

- **شیدایی** : آدم خودشیفته

عوامل اجتماعی :

آشفته‌گی خانوادگی : دو مدل آشفته‌گی در خانواده وجود دارد:

- 1- فقط با هم زندگی می کنند ولی رابطه ای بین افراد خانواده نیست. در واقع پدر و مادر همدیگر را تحمل میکنند. فقط هم زیستی است فرزندان به حال خود رها شده اند و فرزندان دست به هرکاری می توانند بزنند.
- 2- پدر یا مادر فوت شده اند، پسر باید حس مردانگی و پدرا نه یاد بگیرد. دختر نفس مادری را یاد بگیرد.

نظریه کنترل دورکیم : هر چه کنترل بیشتر باشد ناخودآگاه آسیب کمتر است. کنترل نباید مستقیم باشد که بچه احساس کند در منگنه قرار گرفته، باید حساب شده باشد، هم گاهی محسوس ، گاهی نامحسوس.

1- **طرد اجتماعی :** دو مدل طرد وجود دارد :

- الف - آدمهایی که قبلاً آسیب دیده اند و دیگر جامعه آنها را پذیرا نیست، مثل کسی که طلاق گرفته و در خانواده او را پذیرا نیستند مثلاً شخصی که مدتی در زندان بوده وقتی از زندان می آید هم به چشم یک مجرم به او نگاه می کنند و دیگر به او اعتماد نمی کنند.
- ب- آدمهایی که شغل ضعیف دارند طبقه پایین اجتماعی هستند یا کم توان جسمی و ذهنی هستند مثل عقب افتاده و اوتیسم
- 2- نوع شغل : نوع شغلی که میتوانیم داشته باشیم بسیار تأثیرگذار هستند. مثل ممیزی ها، گمرکی ها، بازرس ها اینها راحت می توانند رشوه بگیرند و در معرض خطر هستند.
- 3- بیکاری : آدمهایی که شغل ندارند ناخودآگاه برای پرکردن اوقاتشان به گریزی به کارهای خلاف می زنند.
- 4- فقر و مشکلات معیشتی : کسانی که مشکل معیشتی دارند. برای برطرف کردن نیازهای خانواده
- 5- دوستان ناباب : مثلاً با بچه ها با همسالان خود، خودشان را مقایسه می کنند.

نظریه ساترلند : رفتار انحرافی آموختنی است، ذاتی نیست. به این معنی نیست که اگر فردی ناهمنواست مدام با آدمهای خلافکار بوده ، یا اگر من پاک موندم بخاطر اینکه همه دوستانم پاک بودند. پس آدمهای هم نوا و ناهم نوا می توانند در کنار هم قرار بگیرند. هرچقدر شخص ناهمنوا با من ارتباط نزدیکتری داشته باشد احتمال ناهمنوا شدن من بیشتر است. و این بستگی به شرایط زیر دارد:

- سن زمان تماس : مثلاً در نوجوانی و جوانی بیشترین تاثیر را می گیریم.
- فقر فرهنگی : مثلاً میگوییم به دانشگاه می رویم تا یکه آدم تحصیلکرده شویم . ولی مثلاً دکتری داریم که دچار فقر فرهنگی است. پس فرهنگ ربطی به تحصیلات ندارد.

- در بحث فرهنگی افراد نمی دانند با بچه هایشان چگونه باید ارتباط برقرار کنند. مثل تفاوت گذاشتن بین فرزندان- یا کنترل فرزندان طوری که درست نباشد و بچه احساس خفقان کند.

راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

پیش‌گیری از جرم

اصطلاح «پیش‌گیری» به معنای «پیش‌دستی کردن» و «به جلوی چیزی رفتن» و نیز «آگاه کردن و هشدار دادن» است. هر چند در گذشته از این واژه بیش‌تر به معنای «پیش‌گیری کیفری» برداشت می‌شد، و شامل مجموعه‌ای از مجازات‌ها و اقدامات تأمینی می‌شد که برای مقابله با جرم و جنایت استفاده می‌شود، اما امروزه «پیش‌گیری» شامل تدابیری می‌شود که اساساً مانع شکل‌گیری جرم و بزه در صفحه اندیشه بزهکار و ساحت جامعه می‌شود.

از منظر دینی، خصوصاً پیش‌گیری از جرم از اهمیت بالایی برای نظام قضایی کشور ما برخوردار است. بی‌تردید اقدامات پیش‌گیرانه از وقوع جرم و بزهکاری و انحراف از اصول قضای اسلامی محسوب می‌شود. اقدامات پیش‌گیرانه مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های سازنده تربیتی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در بر می‌گیرد. در واقع، سیاست‌های پیش‌گیرانه، که به کلیه اقدامات و راه‌کارهای مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف معطوف است، یک «سیاست پیشینی» است که در برابر انواع مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، که «سیاست پسینی» است، قرار می‌گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و نیز مقرون به صرفه‌تر است. اجمالاً سیاست‌های پیشینی و پسینی باید سه مرحله «پیش از وقوع جرم» مرحله «وقوع جرم» و «پس از وقوع» را در برگیرد

الف. مرحله پیش از وقوع جرم

در این مرحله، که مهم‌ترین مرحله و کارآمدترین نیز هست، توجه به نکات زیر ضروری است: باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه نمود و کلیه اقدامات و برنامه‌ها را براساس آن سازماندهی کرد. برخوردار کردن آحاد جامعه از نیازهای اساسی زندگی و بویژه، امنیت اجتماعی و استمرار آن در شرایط بحرانی، پیش‌بینی چهارچوب قانون مناسب با تدابیر و اقدامات پیش‌گیرانه و وضع قوانین حمایتی کودکان، خانواده‌ها و... توجه ویژه به نقش پیش‌گیرانه آموزشی و پرورشی رسمی و غیررسمی، مدارس و مراکز آموزش عالی، برنامه‌های آموزشی، تربیتی، پرورشی و... از جمله این اقدامات است.

ب. مرحله وقوع جرم

در این مرحله پدیده جرم و بزهکاری از منظر پیش‌گیری باید بطور جدی مورد بررسی قرار گیرد. علل و عوامل شکل‌گیری و گسترش آن شناسایی شود، انواع جرایم، میزان شیوع و گستره آن، گسترش جغرافیایی جرم و امکانات نهادهای فعالی همچون پلیس، دستگاه قضایی، مشاوران و مددکاران به کمک فراخوانده شوند.

ج. مرحله پس از وقوع جرم

در این مرحله توجه به کشف، تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزهکاران، و اتخاذ تدابیری به عنوان سیاست‌های پیش‌گیرانه حایز اهمیت است. در مراحل ورود مجرم و بزهکار به زندان، اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات و برنامه‌هایی با توجه به اصول پیش‌گیری مورد توجه قرار گیرد. رعایت اصول اجرای مجازات‌ها و توجه به کرامت عزت و جایگاه انسانی محکومان، پرهیز از تحقیر و تخریب شخصیت افراد، به کارگیری روش‌ها و سیاست‌ها و راهکارهای بازپروری، مشاوره درمانی، گروه درمانی، تقویت مراکز اصلاح و تربیت، تقویت امکانات و تجهیزات زندان‌ها، به کارگیری نیروهای انسانی تربیت‌گرا در کادرهای مختلف زندان، نظارت پس از آزادی، حمایت مادی و معنوی از افراد آزاد شده، حمایت و تشویق می‌باشد

امور مربوط به مسائل پس از وقوع جرم جهت اصلاح در زندان

الف. اقدامات پیشگیرانه

همواره و در هر مسئله اجتماعی، پیشگیری بسیار مفید و مؤثرتر و کم هزینه‌تر از درمان می‌باشد. در اینجا برای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه توسط افراد، به ویژه نوجوانان یا جوانان پیشنهاداتی ارائه می‌شود:

▶ هماهنگ کردن بخش‌های عمومی و خصوصی، که در زمینه پیش‌گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، آموزش و پرورش، بهزیستی، امور زندان‌ها، قوه قضائیه، شهرداری‌ها، شوراها، امور جوانان و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش‌گیرانه و هماهنگی بیش‌تر

▶ آگاهی دادن به خانواده‌ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان

▶ اتخاذ تدابیر امنیتی بیش‌تر توسط نیروی انتظامی در محل‌های جرم خیز، و اقداماتی به منظور کمک به خانواده‌ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند.

▶ اطلاع رسانی شفاف رسانه‌های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت‌هایی که جامعه برای آنان قرار داده است.

▶ تجهیز پلیس برای مقابله جدی با باندهای مخوف انواع گوناگون بزهکاری اجتماعی در جامعه

▶ اقدامات امنیتی برای مراکز حساس تجاری، بانکی و...

ب. راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

از آنجایی که، بیشترین آسیب‌های ارتكابی از سوی نوجوانان و یا جوانان می‌باشد، راهکارهای ارائه شده نیز برای همین قشر ارائه می‌گردد. علاوه بر اقدامات پیش‌گیرانه فوق، شناسایی راهکارهایی برای شناخت نوع مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

▶ شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است. ارضا نشدن این نیازها و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب برجای گذاشته، زندگی رابه‌کام‌فرد تلخ کرده، وی را به انحراف می‌کشاند.

▶ توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.

▶ توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.

▶ توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.

▶ توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، چشم چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و...

برای ارضای نیازهای نوجوانان و جوانان توجه به امور زیر ضروری است

▶ . نیاز به محبت و مهربانی؛

▶ نیاز به امنیت و آرامش؛

▶ . نیاز به احساس تعلق؛

▶ . نیاز به قابلیت و احترام؛

▶ . نیاز به استقلال؛

▶ . نیاز به قدردانی و تشویق؛

▶ . نیاز به داشتن هدف مشخص در زندگی؛

▶ . نیاز به احساس هویت؛

▶ . نیاز به احساس رشد، کمال، خودشکوفایی؛

▶ نیاز به مذهب و فلسفه حیات؛

ج. وظایف خانواده در پیشگیری از آسیب‌ها

خانواده‌ها نیز وظایفی در مقابل پیش‌گیری از جرم و بزهکاری فرزندان خود دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

▶ . دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را با والدین مطرح نمایند؛

▶ تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای‌بندی عملی والدین به آموزه های دینی؛

▶ ایجاد محیط و بستر مناسب و سازگاری در محیط خانه؛

▶ ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛

▶ تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛

▶ توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛

▶ مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

- ▶ برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
- ▶ نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان.

د. وظایف سایر نهادها

- ▶ علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، قوه قضاییه، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:
- ▶ تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛

- ▶ تاسیس مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس؛

- ▶ بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان؛

- ▶ ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛

- ▶ اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛

- ▶ تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی؛

- ▶ برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛

- ▶ جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به شغل های کاذب مثل کوپن فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...؛

- ▶ ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛

- ▶ ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛

- ▶ ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛

- ▶ فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛

- ▶ از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بی کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد

شش عامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانش‌آموزان

1. ارتباط با دوستان و همسالان ناباب
2. کاهش کنترل خانوادگی
3. آلوده بودن فضای مدارس مزبور
4. آلوده بودن فضای محله‌های موصوف
5. کاهش عزت نفس و پایین بودن خودباوری
6. ضعف اعتقادات دینی

در همین راستا مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانشجویان نیز عبارتند از:

1. وجود افراد مصرف‌کننده در شبکه دوستان و خویشاوندان
 2. ضعف عملکرد آموزشی
 3. وجود خانواده‌های پرجمعیت و گسسته
 4. ضعف گرایش دینی
 5. ضعف در پایگاه اقتصادی و اجتماعی
 6. فقدان حمایت اجتماعی مناسب
 7. کسب شادی و نشاط
 8. دوری از استرس و اضطراب
- با امعان نظر به مؤلفه‌های فوق‌الاشاره، ضرورت توسعه و تقویت فعالیت‌های پیشگیری از مصرف موادمخدر در سطح مراکز آموزشی (از دوران مهد کودک تا آموزش عالی) بصورت پیوسته، منسجم و برنامه‌ای امری بدیهی می‌باشد تا بدین ترتیب شاهد مصون‌سازی یک سوم جمعیت کشور که آینده‌سازان ایران اسلامی هستند، باشیم

(مطالب اضافه شده :

بررسی آسیب‌ها اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی را شناسایی میکنیم . چه چیز را به عنوان آسیب اجتماعی میدانیم. یک مورد مطرح میکنیم مثل اعتیاد، دزدی، بعد بررسی میکنیم که چرا به عنان آسیب شناسایی شده مرحله بعد درمان آسیب است. ولی قبل از آن پیشگیری روش درستی است که اصلا چه کار کنیم که جرم و بزهکاری رخ ندهد.

شناخت، پیشگیری ، درمان

دوره گذار : دهه شصتی ها ، از 1360 تا 1365 نسل سوخته هستند. اکثرا تحصیلکرده بیکار هستند. جامعه ما بستر خوبی دارد ولی مدیریت مناسب ندارد. امنیت شغلی وجود ندارد. ناخودآگاه بیشتر مجرمان از این نسل هستند. دوره پیش از جرم: اصلا چرا جرم رخ می دهد؟ همه آدمها یک سری نیاز دارند، نیاز به خوراک، پوشاک، امنیت و نیاز عاطفی حمایت عاطفی ، توجه و اگر این نیازها عملی نشود احتمال دارد فرد برای رسیدن به این نیازها مرتکب جرم شود. اگر آرامش زن یا مرد از طرف همسر تامین نشود شخص مجبور به طلاق می شود. ریشه اصلی اکثر آسیب ها عدم تامین نیاز است.

یک سری نیاز توسط خانواده تامین میشود یک سری توسط نهادهای اجتماعی

در مرحله جرم :

وقتی جرم اتفاق افتاد باید انقدر قانون و مقررات درست و دقیقی تنظیم شده باشد که حتی با مجرم درست و مثل یک انسان با او برخورد شود و مجازات درستی برایش در نظر گرفته شود. مثلا محیط زندن از نظر فیزیکی درست باشد، مددجویی شود، روانشناسی شود و برای بعد از آزادی مجرم تمهیداتی در نظر گرفته شود. یک سری اقداماتی که در زندان باید انجام شود.

عوامل اجتماعی که در پیشگیری از ظلم کمک می کند:

- 1- خانواده و نیروهای امنیتی و شهرداری
- 2- نیروی انتظامی
- 3- اطلاع رسانی رسانهای جمعی
- 4- تجهیز پلیس برای مقابله انواع بزهکاری

راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوانان و جوانان

عدم توانایی حل محدودیتها و نیازها : مشکل است.

مسئله یک نیاز باید برطرف بشود ولی نشده این می شود یک مسئله

بدترین دوران نوجوانی و جوانی است. چون هنوز نوجوان شخصیتش شکل نگرفته و خیلی تحت تاثیر محیط اجتماعی و دوستانشان هستند.

چه کنیم برای جوانان و نوجوانان :

از آنجایی که، بیشترین آسیب های ارتكابی از سوی نوجوانان و یا جوانان می باشد، راهکارهای ارائه شده نیز برای همین قشر ارائه می گردد. علاوه بر اقدامات پیش گیرانه فوق، شناسایی راهکارهایی برای شناخت نوع مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

▶ شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است. ارضا نشدن این نیازها و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب برجای گذاشته، زندگی رابه کام فرد تلخ کرده، وی را به انحراف می کشاند.

▶ توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.

▶ توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس.

▶ توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.

▶ توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، چشم چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و...

برای ارضای نیازهای نوجوانان و جوانان توجه به امور زیر ضروری است

▶ نیاز به محبت و مهربانی؛

▶ نیاز به امنیت و آرامش؛

▶ نیاز به احساس تعلق؛

▶ نیاز به قابلیت و احترام؛

▶ نیاز به استقلال؛

▶ نیاز به قدردانی و تشویق؛

▶ نیاز به داشتن هدف مشخص در زندگی؛

▶ نیاز به احساس هویت؛

▶ نیاز به احساس رشد، کمال، خودشکوفایی؛

▶ نیاز به مذهب و فلسفه حیات؛

ج. وظایف خانواده در پیشگیری از آسیب‌ها

خانواده‌ها نیز وظایفی در مقابل پیش‌گیری از جرم و بزهکاری فرزندان خود دارند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

▶ دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را با والدین مطرح نمایند؛

▶ تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای‌بندی عملی والدین به آموزه های دینی؛

▶ ایجاد محیط و بستر مناسب و سازگاری در محیط خانه؛

▶ ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان؛

▶ تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین؛

▶ توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده؛

▶ مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛

- ▶ برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
- ▶ نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان.

د. وظایف سایر نهادها

- ▶ علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، قوه قضاییه، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:
- ▶ تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی؛

- ▶ تاسیس مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس؛
- ▶ بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان؛
- ▶ ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان؛
- ▶ اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و...؛
- ▶ تقویت نظارت های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی های اجتماعی؛
- ▶ برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی عدالتی، و پی گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان؛

- ▶ جلوگیری از مهاجرت های بی رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به شغل های کاذب مثل کوپن فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...؛

- ▶ ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان؛
 - ▶ ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛
 - ▶ ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛
 - ▶ فراهم کردن موقعیت ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد؛
 - ▶ از آن رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می باشد، می بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بی کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد
- شش عامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانش آموزان**

1. ارتباط با دوستان و همسالان ناباب
2. کاهش کنترل خانوادگی
3. آلوده بودن فضای مدارس مزبور
4. آلوده بودن فضای محله های موصوف
5. کاهش عزت نفس و پایین بودن خودباوری

6. ضعف اعتقادات دینی

در همین راستا مهمترین عوامل تأثیرگذار بر مقیاس در معرض خطر مصرف موادمخدر دانشجویان نیز عبارتند از:

1. وجود افراد مصرف کننده در شبکه دوستان و خویشاوندان
2. ضعف عملکرد آموزشی
3. وجود خانواده‌های پر جمعیت و گسسته
4. ضعف گرایش دینی
5. ضعف در پایگاه اقتصادی و اجتماعی
6. فقدان حمایت اجتماعی مناسب
7. کسب شادی و نشاط
8. دوری از استرس و اضطراب (

نظریه های آسیب شناسی

نظریه آنومی یا بی هنجاری دورکیم

داوید امیل دورکیم David Émile Durkheim

آنومی یا بی هنجاری، مفهومی است که توسط امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) جامعه شناس مشهور فرانسوی در ادبیات جامعه شناسی وارد شده است. به اعتقاد دورکیم، در زندگی روستایی مبتنی بر کشاورزی هنجارهای مستقر و پایداری وجود دارند که الگوهای رفتار، وظایف و انتظارات افراد جامعه را مشخص می سازند. دورکیم همبستگی حاصل از این نظم هنجاری پایدار را همبستگی مکانیکی می نامد. جوامع دارای این نوع همبستگی، واحدهای مستقلی هستند که در آنها خانواده به عنوان نهادی دارای کارکردهای فراوان و از جمله کارکرد اقتصادی، نیازهای تمامی افراد جامعه را تامین می کند. با ظهور سرمایه داری صنعتی و آغاز مهاجرت مردم از روستاها به شهرها، همبستگی مکانیکی دیگر توانایی ایجاد ساختار برای زندگی اجتماعی نوین را از دست داد. در این شرایط، نوع جدیدی از همبستگی با عنوان همبستگی ارگانیک شکل می گیرد که مبتنی بر تقسیم کار بوده و دربردارنده ساختار هنجاری هدایت کننده ای نیز است. در واقع به اعتقاد دورکیم، همبستگی مکانیکی مبتنی بر تشابهات افراد بود، در حالی که همبستگی ارگانیک بر مبنای تمایزات موجود بین افراد جامعه، شکل می گیرد. اما گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیک مدتی به طول می انجامد. ویژگی غالب این دوره گذار، بی سازمانی هنجاری است که دورکیم آن را شرایط آنومیک می نامد. البته منظور دورکیم از این واژه بی هنجاری مطلق نیست. زیرا در هر جامعه ای به هر حال هنجارهای غالبی وجود دارند، در واقع هدف اصلی او توصیف وضعیتی است که در آن بی نظمی نسبی هنجاری حاکم است رها شدن از تأثیر بازدارنده و محدودکننده هنجارها نه تنها شرایط را برای زندگی افراد مساعدتر و آزادتر نمی کند بلکه در غیاب هنجارهای هدایت کننده، مردم نمی دانند چگونه رفتار کنند و در انتظار چه چیزهایی باشند. از نظر دورکیم، بسیاری

از مسائل اجتماعی در اروپای دستخوش صنعتی شدن شتابان در نتیجه عدم وجود یک نظم هنجاری مناسب پدید آمده بودند. نمونه بارز این نوع نگاه در کتاب «خودکشی» قابل مشاهده است. دورکیم در این کتاب، با بررسی جامعه شناختی آمارهای مربوط به خودکشی، خودکشی را دارای انواعی می داند که یکی از آنها خودکشی «آنومیک» است. این نوع از خودکشی زمانی شیوع می یابد که ارزش ها و هنجارهای گروهی معنای خود را از دست داده و موجبات انزوا، سردرگمی و نابسامانی فردی را در اعضای گروه فراهم می آورند .

انواع خودکشی

1) خودکشی دگر خواهانه

2) خود کشی ناشی از بی هنجاری

3) خودکشی جبری

گماینشافت و گزلفاشت یا اجتماع و جامعه (به آلمانی: Gemeinschaft und Gesellschaft جامعه‌شناس آلمانی، فردیناند تونیس اند اجتماع Community و Society و جامعه اجتماع بیان گر همان اجتماعاتی است که در پیشاتجدد به صورت یک خانواده بزرگ یا قبیله و قوم تجلی می کرد و جلوه‌هایی از آن در روزگار تجدد نیز دیده می‌شود. در عین حال گماینشافت و گزلفاشت را می‌توان به عنوان دو روی یک سکه و دو نوع روابط اجتماعی هم‌زمان هم تعبیر کرد . روابط اجتماعی در اجتماع بر پایه عاطفه، سنت، خویشاوندی و دوستی قرار دارد. به عبارت دیگر پایه طبیعی اجتماع (در آداب عامیانه، عرفیات و تصورات طبقه عوام وجود دارد. . بر عکس هر جا که شهرنشینی شکوفه می‌کند و ثمر می‌نشیند جامعه به عنوان ابزار ضروری آن ظاهر می‌شود.

(مطالب اضافه شده :

نظریه آنومی دیوید ایمیل دورکیم

جامعه شناس فرانسوی اولین کسی است که می آید آنامومی یا بی هنجاری را می آورد در فضای جامعه شناسی.

همبستگی در جوامع دو مدل است :

مکانیکی : برمیگردد به جوامع روستایی، در روستا مردم یکدست هستند، یک دست می پوشند، خانه هاشون ، خوردنشون، عروسیها و عزاداریشون و کلا فرهنگشون مثل هم است و تفاوتی ندارند.

ارگانیک: در شهرها انقلاب صنعتی باعث می شود مردم از روستاهای مختلف به شهر می آیند و و شهرنشین می شوند و هرکدام از روستاهای متفاوت می آیند. فرهنگهای متفاوت ، اخلاق و خلق و خوی متفاوت، پس آدمها با هم متفاوت می شوند. پس در جامعه شهری ناهنجاری بیشتر رخ میدهد،

چون همه با هم متفاوت و متضاد هستند. برعکس جوامع روستایی که یکدست هستند پس ناهنجاری کمتر است.

دورکیم : یکی از بزرگترین ناهنجاری ها خودکشی است. اولین کسی که خودکشی را به عنوان یک ناهنجاری بررسی می کند دورکیم است

سه نوع خودکشی از نظر دورکیم :

- 1- دگرخواهانه : خودت را بکشی برای دیگران. خودش را می کشد برای اینکه دیگران راحت باشند. مثل کسی که سیانور میخورد تا گروهش را نجات دهد.
- 2- ناشی از بی هنجاری : جامعه وضعیتی می شود که فرد نمی تواند تحمل کند. مثلاً کسی که در زلزله همه خانواده خود را از دست می دهد با خود فکر می کند با چه انگیزه ای باید زنده باشد؟ یا کسی که ورشکست می شود همه دارایی خود را از دست می دهد، دست به خودکشی میزند.
- 3- خودکشی جبری : کسی که در وضعیتی قرار گرفته که راه فراری ندارد، مثلاً دختری را که مجبور به ازدواج با شخصی میکنند که علاقه ای ندارد، وقتی چاره ای ندارد خودکشی میکند.

گماینشافت = اجتماع = Community

جامعه ای که همه همدیگر را می شناسند، مثل روستا - روابط صمیمی، غیررسمی - این جامعه کمتر دچار آسیب و ناهنجاری می شود.

گزلشافت = جامعه = Society

جامعه بزرگی که افراد آن همدیگر را نمی شناسد، جامعه بزرگ و رسمی است در شهرنشینی آدمها از هم دور شدند وقتی برای هم کاری انجام می دهند که سودی برای خودشان داشته باشد، در همچنین جامعه ای که ارتباطات رسمی است و صمیمی نیست احتمال خیانت و مشکلات آسیب بیشتر است.)

جامعه

مجموعه ای از افراد انسان که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند ، جامعه را تشکیل می دهند. زندگی دسته جمعی این نیست که گروهی از انسانها در کنار یکدیگر و در یک منطقه زیست کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده نمایند درختان یک باغ نیز در کنار یکدیگر زیست می کنند و از یک آب و هوا و یک نوع مواد غذایی استفاده می نمایند ، همچنانکه آهوان یک گله نیز با هم می چرند و با هم می خرامند و با هم نقل مکان می کنند . اما نه درختان و نه آهوان هیچ کدام زندگی اجتماعی ندارند و جامعه تشکیل نمی دهند . *زندگی انسان که اجتماعی است به معنی این است که (ماهیت اجتماعی) دارد : از طرفی نیازها ، بهره ها و برخورداریها ، کارها و فعالیتها ماهیت اجتماعی دارد و جز با تقسیم کارها و تقسیم بهره ها و تقسیم رفع نیازمندیها در داخل یک سلسله سنن و نظامات میسر نیست ، از طرف دیگر نوعی اندیشه ها ، ایده ها ، خلق و خویها بر عموم حکومت می کند که به آنها وحدت و یگانگی می بخشد ، و به تعبیر دیگر ، جامعه عبارت است از مجموعه ای از انسانها که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده ها و ایده ها و آرمانها در یکدیگر ادغام شده و در یک زندگی مشترک غوطه ورنند*

عوامل پایداری جامعه

- اهداف معین
- تقسیم کار
- وجود ارزش ها و هنجارهای جامعه
- کنترل اجتماعی

فرهنگ:

به مجموعه در هم تافته ای از اعتقادات ، آداب و رسوم ، اخلاقیات و ... که افراد جامعه از آن تبعیت می کنند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود انواع فرهنگ :

الف) فرهنگ مادی محسوس و ملموس است مانند: شهرها ، بناها، اشیاء

ب) فرهنگ غیر مادی (معنوی) نامحسوس ، ناملموس و جنبه ی کیفی دارد شامل : ارزشهای فرهنگی - هنجارهای فرهنگی - نماد - باورها

پارسونز (1942)

نظریه کنش اجتماعی Action Social Theory

نظام اجتماعی

شامل تعامل های افراد در گروه ها و خرده فرهنگ ها عنوان کرد که شامل سازماندهی هنجارها، ارزش ها و نهادها راهنمای تعامل افراد است . از نظر او کنش یا عمل عبارت از رفتاری است که به وسیله مقاصدی که کنشگران برای اشیاء و اشخاص قائل می شوند جهت داده شده است پارسونز معتقد بود که ایجاد یک جامعه ممکن نیست مگر اینکه تمام افراد بالغ، اصولی را بپذیرند که بر اساس آن نحوه تقسیم کار برای همه قابل درک و تحمل پذیر شود. به این معنا که جامعه از انسان هایی تشکیل شده که درباره یک سری ارزش های به خصوص اتفاق نظر دارند و درباره آنچه که درست یا نادرست تصور می شود، یکسان می اندیشند.. از دیدگاه جامعه شناسی پارسونزی، نظم اجتماعی به تحقق ارزش های مشترک و عمومی وابسته است که به صورتی مشروع و اجباری مورد پذیرش جامعه قرار می گیرند نهادها و سازمان های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه پذیری، الگوهای رفتاری و درونی ساختن آنها در افراد هستند در صورتی که نهادها و سازمان های کارگزار جامعه پذیری نظیر: خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارآیی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی سازمانی اجتماعی شده و پی آمد آن، شیوع رفتار انحرافی در جامعه است. پارسونز، آنومی را نیز حاصل گسیختگی کامل نظم هنجاری می دانست

نظریه انحرافات اجتماعی مرتن

ساختار فرهنگی cultural structure

از نظر مرتن ساختار فرهنگی «مجموعه سازمان یافته ای از ارزشهای رهنمودی حاکم بر رفتار عموم اعضاء یک جامعه یا گروه مشخص است.» او در تحلیل کارکردیش، کارکرد ساختار فرهنگی را تولید نظامهای ارزشی یعنی خوبها و بدها می داند.

▶ ساختار اجتماعی (Social Structure)

از نظر وی ساختار اجتماعی «مجموعه سازمان یافته ای از روابط متقابل اجتماعی است که در آن هر یک از اعضاء جامعه یا گروه به اشکال مختلفی به هم پیوسته اند.» او کارکرد ساختار اجتماعی را

▶ تولید نظام های هنجاری یعنی بایدها و نبایدها می داند و معتقد است که این ساختار اجتماعی است که ابزار و راههای مشروع رسیدن به اهداف را مشخص می کند رابطه ساختار فرهنگی و اجتماعی: ساختار فرهنگی تعیین کننده ساختار اجتماعی است. اول ارزشها یعنی خوبها و بدها مطرح می شوند سپس هنجارها یعنی بایدها و نبایدهای مربوط به آنها مطرح می شوند. اول می گوییم رسیدن به مدارج بالای عملی خوب است سپس می گوییم برای رسیدن به آن باید درس خواند. پس اول اهداف تعیین می شود سپس راههای رسیدن به این اهداف نوع شناسی سازگاری فردی: «او در مقاله ای درباره آنومی (ناهنجاری) تیپولوژی پنج شیوه سازگاری فردی را کامل می کند، که آن از یک طرف پذیرش یا رد اهداف فرهنگی و از طرف دیگر پذیرش یا رد ابزار نهادی شده موجود برای دستیابی به این اهداف را شامل می شود.» در مجموع، یک حالت از رد و جانشین سازی برای آن را پیش بینی می کند.

نوع شیوه های سازگاری	اهداف فرهنگی	ابزار نهادی شده
همنوایی	+	+
نوآوری	-	+
مناسک گرایی	+	-
انزوا گرایی	-	-
طغیان	[±]	[±]

همنوایی:

سازگاری هم با اهداف فرهنگی و هم با ابزار نهادی شده عمومی ترین شکل رفتار است یعنی فرد هم اهداف فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را می پذیرد و خودش را با آن همنوای می کند و هم ابزار فرهنگی تعیین شده از سوی ساختار اجتماعی جامعه را می پذیرد و خودش را با آن همنوای می کند

نوآوری:

که در آن فرد تاکیدات فرهنگ روی هدف را قبول کرده است بدون اینکه به همان اندازه هنجارهای نهادی شده حاکم بر راه ها و ابزار رسیدن به آن (هدف) را درونی کرده باشد.» (یعنی فرد اهداف ارائه شده از سوی ساختار فرهنگی جامعه را قبول نکرده، اما ابزار ارائه شده از سوی ساختار اجتماعی را پذیرفته است و آن ابزار را به کار می گیرد. به عنوان مثال افرادی که در یک جامعه اسلامی اعتقادی به خدا ندارند اما به شیوه و راه و رسم مسلمانان زندگی می کنند، از این نوع هستند.

تشریفات پرستی Ritualism

تشریفات پرستی به این معناست که افراد، ابزارها و وسایل مورد تأیید جامعه را نپذیرفته اند؛ اما اهداف فرهنگی در سطح وسیعی انکار می شود. مانند پرستاری که به قوانین و مقررات رسمی تعریف شده در بیمارستان بیشتر اهمیت می دهد تا نجات جان بیماری که در آستانه مرگ در خارج از چارچوب رسمی بیمارستان به فوریت های پزشکی نیاز دارد.

انزوا گرایی:

که شامل رویگردانی و انصراف افراد از اهداف و ابزار می شود» یعنی در آن افراد اهداف و ابزار تعیین شده از سوی ساختار فرهنگی و اجتماعی را نپذیرفته اند و در جامعه عزت نشینی اختیار کرده اند. که می توان به عنوان مثال به معتادین مواد مخدر، الکی ها، روانی ها و افراد منفعل در جامعه اشاره کرد.

طغیان

جائیکه سیستم نهادی شده به عنوان سدی برای رسیدن به اهداف مشروع در نظر گرفته می شود، ارزشهای جدیدی ایجاد می شود و افراد به ابزار جانشین برای نیل به آن اهداف مجهز می شوند.» یعنی اهداف جامعه را مشروع نمی دانند و اهداف مشروع مورد نظر خود را به وجود می آورند. که در آن اهداف و وسایل نهادی شده بطور کامل رد می شود و اهداف و وسایل جدیدی برای جانشینی آنها بوجود می آید

(مطالب اضافه شده :

تعریف جامعه

یک مجموعه ای از انسانها که برای خودشان یک سری قوانین وضع می کنند تا بتوانند کنارهم زندگی دسته جمعی داشته باشند. (قوانین همان هنجارهاست) حیوانات و درختان هم زندگی دسته جمعی دارند ولی چون پیرو قوانین نیستند و تقسیم کار ندارند پس جامعه محسوب نمی شوند. پس تعریف جامعه مربوط به انسانهاست. برای پایداری جامعه باید تقسیم کار وجود داشته باشد. باید هدف برای جامعه تعریف شود. قوانین وضع شود برای کنترل جامعه.

تعریف فرهنگ

شکل زندگی شامل خوردن و پوشیدن و حرف زدن ، سبک دیزان خانه ، انواع غذایی که میخوریم سبک زندگی ماست که همان فرهنگ است.

فرهنگ به دودسته تقسیم می شود:

مادی :

همان تمدن است. به کلیه ابزارهایی ک باتوجه به تکنولوژی روز ، تغییر می کند. مثلاً اول تلفن نبود، ابتدا تلفن اختراع شد، بعد تلفن همگانی، بعد تلفن ثابت هر کسی در منزل داشت و بعد موبایل.

غیرمادی :

ارزشها، هنجارها، باورها، خرافات، نماد

- ارزشها : خوبیهها و هرآنچه که افراد جامعه برای آن ارزش قائل هستند. مثل احترام به حقوق همسایه.
- هنجارها : ارزشها که بعد عملی پیدا میکند تبدیل به هنجار می شود. اگر به همسایه احترام میگذاریم هنجار است. اگر احترام نگذاریم ناهنجاری است.
- باورها : عقیده ماست ، یه عده می توانند آنرا قبول داشته باشند و عده ای می توانند قبول نداشته باشند.
- خرافات : باورهایی که ریشه علمی ندارد، مثل بعضی باورهای اشتباه و خرافاتی .
- نماد یا سمبل : یک نشانه ای که بین یه عده مرسوم است. مثل پرچم ، زیتون، کبوتر سفید

نظریه کنش اجتماعی : پارسونز 1942

نظام اجتماعی : در همه جوامع انسانها با هم تعامل دارند.تعاملی که ما باهم داریم راهنمایش ارزشها و فرهنگهای ایرانی است. همه انسانهایی که با هم زندگی میکنند ارزشهایی را باهم قبول دارند و یک نظام اجتماعی را به وجود می آورند. کنش : هر رفتاری که انجام می دهیم در پس آن یک هدف وجود دارد. هر عملی که انجام میدهیم کنش است. در جامعه ای که نظم اجتماعی وجود دارد باید تقسیم کار وجود داشته باشد، هر کس باید وظیفه داشته باشد.

نظام شخصیتی : مجموعه رفتارهای من نظام شخصیتی من است. کلیه برخوردها، رفتارها، نگرشهای یک انسان نظام شخصیتی اوست. این انسان جزئی از کل جامعه است. برای اینکه آن نظام اجتماعی تشکیل شود باید هنجارهای آن جامعه را رعایت کند.

پارسونز می گوید : در هر جامعه ای 4 خرده نظام وجود دارد:

فرهنگ- اجتماع - شخصیت - اقتصاد

اگر این 4 خرده نظام کارآیی لازم را نداشته باشند جامعه دچار ناهنجاری می شود.

اگر فرهنگ نباشد، اگر اجتماع دارای مشکل باشد، اگر شخصیت افراد مشکل داشته باشد و اگر مشکلات اقتصادی وجود داشته باشد جامعه دچار ناهنجاری میشود.

خانواده و مدرسه و وسایل ارتباط جمعی روی آن 4 مورد تاثیرگذار است. خانواده اولین نهادی که در آن متولد می شویم. در مدرسه تحت تعلیم و تربیت قرار می گیریم، و وسایل ارتباط جمعی وظیفه ای آموزش صحیح است.

نظریه مرتون

ساختار فرهنگی همان ارزشهای جامعه است.

ساختار اجتماعی همان هنجارهای جامعه است.

رابطه این دو تا: ارزشها چیزهایی که در ذهن ما است و هنجارها بُعد عملی آنهاست.

آدمها برای اینکه ارزشهای یک جامعه را بپذیرند یا رد کنند 5 تیپولوژی (شخصیت) دارند:

- 1- همنوایی : ارزشها را قبول دارند و هنجارها را رعایت می کند. (بهترین شهروند)
- 2- نوآوری : ارزشها را قبول ندارند ولی هنجارها را انجام می دهند، مثلاً حجاب را قبول ندارند ولی بخاطر محیط مجبور هستند رعایت کنند. (آدمهای متظاهر)
- 3- مناسک گرایی یا تشریفاتی : ارزشها را قبول دارند ولی انجام نمی دهند مثلاً قبول دارند باید به حقوق دیگران احترام بگذارند ولی نمی گذارند.
- 4- انزواگرایی : نه ارزشها را قبول دارند و نه انجام می دهند.
- 5- طغیان گرا: (حزب باد) یه جاهایی ارزش را قبول دارند و انجام می دهند و یک جا همان را قبول ندارند و انجام نمی دهند، نمی شود آنها را شناخت ، هرروز یک مدل هستند).

نظریه بوم شناختی انحراف Ecology Deviance Theory

در دهه 1920 گروهی از جامعه شناسان که مقر آنها در شیکاگو بود و بعدها به اعضای مکتب شیکاگو Chicago School شهرت یافتند، روشی با عنوان «بوم شناسی» برای مطالعه زندگی اجتماعی ایجاد کردند که به مطالعه روابط بین گروه های انسانی و محیط آنان می پردازد. اعضای مکتب شیکاگو این مفهوم را درباره رشد شهرهای بزرگ به کار بردند و چنین استدلال کردند که رفتار انسان را می توان برحسب محیط شهری او تبیین کرد. به ویژه آنان مدعی شدند که در اثر توسعه شهرهای بزرگ، محله های مشخصی به وجود می آیند که هر کدام شیوه های خاص زندگی خود را دارند دو تن از این جامعه شناسان به نام های پارک و برگس که در زمینه جامعه شناسی شهری مطالعه می

کردند، در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهایی که با پدیده شهرنشینی ارتباط داشت تمرکز کردند. برخی از این متغیرها عبارت بودند از:

زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتگاهی و تراکم جمعیت. به اعتقاد پارک و برگس، محیط فیزیکی شهر با الگوهای فرهنگی - اجتماعی، جمعیت شهری و زندگی شهرنشینی در هم تنیده است. پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه ها و غرایز ساکنان ممانعت می کند و باعث انحرافات اجتماعی می شود بر اساس نظریه برگس نیز که «الگوی نوع آرمانی» نام دارد، جامعه صنعتی کلان شهر از 5 منطقه سکونتگاهی به شکل دوایر متحدالمرکز از مرکز به پیرامون به ترتیب به شرح زیر تشکیل شده است:

1- منطقه تجاری - مرکزی

2- منطقه انتقالی

3- منطقه سکونتگاهی کارگران

4- منطقه سکونتگاهی طبقه متوسط

5- منطقه با کم ترین جرم.

▶ برگس معتقد بود که در منطقه انتقالی، به دلایلی چون:

▶ سطح بالای تحرک جمعیت،

▶ نرخ بالای مهاجرت،

▶ ویرانی خانه ها

▶ و تراکم جمعیت،

بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکردی نهادهای اجتماعی از قبیل: خانواده و کنترل رفتار ساکنان می شود. از طرفی، ارزش های سنتی فرهنگ قومی توان متقاعدسازی نوجوانان و جوانان را نداشته و آنان به یک وضعیت حاشیه ای کشیده می شوند. در نتیجه، فاقد هویت های گروهی و مرجع هایی می شوند که آنان را به سمت رفتاری که در جامعه مورد پذیرش است سوق دهد. در چنین شرایطی، گروه های هم سال و گروه های هم سال بزهکار جای خالی را پر کرده و راه حل هایی برای خروج از این وجود حاشیه ای ارائه می دهند. در وضعیت هایی که هیچ گروهی به عنوان یک گروه مرجع در صحنه حاضر نباشد، تداوم انزوا و تنهایی موجب ارتکاب رفتارهای بزهکارانه ای نظیر: استفاده از مواد مخدر و انحرافات جنسی می شود پارک و برگس بر این باور بودند چنان چه اقلیت های فرهنگی و نژادی مهاجران، از فرهنگ متجانس خود جدا شده و به عنوان یک خرده فرهنگ وارد مناطق شهری به ویژه سکونتگاه های فقیرنشین شوند؛ در شهرهای صنعتی این فرآیند تبدیل گروه های اقلیت به خرده فرهنگ، همراه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین ساکنان و سکونت در زاغه نشین های شهر منتهی به ایجاد یک خرده فرهنگ بزهکارانه و شیوع جرم و جنایت خواهد شد.

نظریه یادگیری یا انتقال فرهنگ جامعه یا نظریه پیوند افتراقی یا معاشرت و همنشینی با اغیار :

این نظریه مدعی است که افراد به همان شیوه ای که می آموزند از قوانین تبعیت کنند به همان شیوه هم یاد می گیرند که کج رفتار شوند . رفتار انحرافی از طریق معاشرت و هم نشینی با اغیار و بدان و داشتن روابط یا سطحی از معاملات با انواع تبهکاران نظریه یادگیری تکمیل نظریه بوم شناختی است

اصول اصلی نظریه یادگیری یا پیوند افتراقی :

- 1- کج رفتاری یادگرفتنی است نه ارثی و نه محصول بهره هوشی پائین .
- 2- کج رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می شود .
- 3- بخش اصلی یادگیری کج رفتاری هنگام ارتباط صمیمی در حلقه های درون گروهی رخ می دهد و رسانه های جمعی مثل مطبوعات ، سینما و ... در این میان نقش ثانویه ایفا می کنند .
- 4- فرایند یادگیری رفتار تبهکاران شامل :

الف (تکنیک تبهکاری ب) انگیزه های تبهکاری ج (گرایش به تبهکاری د) دلیل تراشی جهت انجام رفتار مجرمانه

برای مثال جوان می آموزد که چگونه در موقعیت های مختلف دزدی کند و چگونه برای توجیه دزدی خود استدلال بیاورد .

5- همنشینی با تبهکاران ممکن است از نظر دفعات ، مدت شدت و اولویت متفاوت باشد

بسط و گسترش نظریه یادگیری توسط برگس - ایکرز

برگس - ایکرز معتقدند شخص زمانی کج رفتاری را بر می گزیند که برای انجام چنین کاری در گذشته و شرایط مشابه تنبیه نشده و یا مورد تشویق هم قرار گرفته باشد با این که احتمال شکل گیری چنین شرایطی در آینده کج رفتاری را مطلوب جلوه می دهد . بدین ترتیب این دو نفر معتقدند صرف پیوند و معاشرت با کج رفتاران کسی را کج رفتار یا منحرف نمی کند . افراد در صورتی کج رفتاری را به همنوایی ترجیح خواهند داد که کج رفتاری برایش رضایت بخش تر و با صرفه تر از هم نوایی باشد .

انتقادهای وارده بر نظریه یادگیری :

- 1) تاکید بسیار بر یادگیری منفعلانه انسان در مواجهه با محیط یعنی هر آنچه محیط می دهد انسان دریافت کننده مفعول است و انتخاب و اراده ای ندارد .
- 2) مسئله انگیزه ارتکاب جرم در این نظریه چندان مورد توجه نیست .
- 3) از ابتدا کج رفتاری چگونه پدید آمده این نظریه توجهی ندارد .
- 4) در تبیین خشونت آنی توسط فردی که قبلاً سابقه حضور در میان مجرمان را نداشته این نظریه ضعف دارد .

5) نظریه ساترنند با یادگیری رویکردی ماشین انگارانه به کج رفتاری دارد و چنین می پندارد که تعامل با کج رفتاران شخص را به طور مکانیکی وادار به درگیر شدن در امور کج رفتارانه می کند با اتخاذ چنین دیدگاهی قابلیت تصمیم سازی و پذیرش نقش و اراده خود نادیده گرفته شده است

نظریه تقلید (کابریل تارد) :

وی بر این باور است فرایند کسب رفتار بزهکارانه و مجرمانه از طریق تقلید که مبتنی بر تجربه های مشاهده ای است انجام می پذیرد وی در توسعه نظریه اش بین مد و آداب و رسوم تمایز قائل شده هر چند هر دوی آنها را از اشکال تقلید می داند ولی مد دارای ویژگی های تقلیدی است که در شهرها که از انبوه جمعیت برخوردار است و تماس ها بیشتر است رخ می دهد و رسوم در حوزه های کوچکی چون روستاها که تغییرات اجتماعی کمتر رخ می دهد جاری و ساری است . مد ممکن است یک رسم را ریشه کن کرده و رسم جدیدی را خلق کند . انسان ها به میزان تماسی که با هم دارند به همان نسبت از یکدیگر تقلید می کنند . همانطور که بیماری های مسری از طریق هوا و باد منتقل می شود اعمال مجرمانه نیز از جنایت کاران حرفه ای و با سابقه به عنوان فرادست (مرجع) به افراد عادی که مستعد یادگیری هستند از طریق تقلید انتقال می یابد . نظریه تقلید تارد با نفوذ رسانه های تصویری و نقش های مجرمانه قهرمان این فیلمها و سریالها تقویت گشته نظریه پنجره های شکسته (: Broken Windows Theory نظریه پنجره های شکسته (1982) محصول فکری دو جرم شناس آمریکایی به نام های جیمز ویلسون (James Wilson و جورج کلینگ George Kelling می باشد . ویلسون و کلینگ استدلال کردند که جرم نتیجه یک نابسامانی است . به طور مثال، اگر پنجره ای شکسته باشد و مرمت نشود، آن فردی که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی دارد، با مشاهده بی تفاوتی جامعه به این امر، دست به شکستن شیشه دیگری می زند و دیری نمی گذرد که شیشه های بیشتری می شکند و این احساس آناارشی و هرج و مرج از خیابان به خیابان و از محله ای به محله دیگر می رود و با خود سیگنالی را به همراه دارد از این قرار که هر کاری را که بخواهید مجاز هستید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود. بر اساس این نظریه، چنانچه شهروندان یک جامعه و ضابطان نسبت به جرایم خفیف و انحرافات خرد با دیده چشم پوشی برخورد کنند، این امر در دراز مدت باعث می شود که در آن منطقه و محله بی نظمی به وجود آید و چنین تصور شود که آن محله یا گروه به گمان برخی از افراد صاحب ندارد که به انحرافات و کجروی ها پاسخ دهد از دل این بی نظمی ناشی از عدم برخورد با جرایم ساده و خفیف، جرایم بزرگ و شدید به وجود می آیند. بنابراین، جرم ناشی از تداوم بی نظمی است و برخورد قوی و قاطع و بدون چشم پوشی با جرایم ساده می تواند از بروز جرایم بزرگ تر جلوگیری کند. پیروان این نظریه چنین استدلال می کنند که کسانی که با پرسه زدن، استفاده از مواد مخدر، فعالیت در گروه های جنایی کوچک و نوشیدن علنی مشروبات الکلی نظم عمومی را مختل می کنند، کنترل آنها مؤثرترین راه برای کاهش بی نظمی اجتماعی است نظریه کنترل اجتماعی Social Control Theory کنترل اجتماعی به معنای کنترلی است که فراتر از خودکنترلی بر روی فرد اعمال می شود، خواه این کنترل از سوی خانواده، دوستان و خواه از محل کار و جامعه باشد این نظریه را تراویس هیرشی مطرح کرد و از آن پس نظریه ای غالب و مسلط در میان انواع نظریه های کنترل شد. او معتقد است که وقوع فعالیت های انحرافی نتیجه شکست پیوندهایی است که

فرد را به جامعه می‌پیوندد. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن، دلیل اصلی کج‌رفتاری است و در این میان نهادهایی مثل خانواده، دوستان، همسایه‌ها و مدرسه نقش زیادی دارد. هیرشی در نظریه خود با نام نظریه پیوند، پیدایش کج‌روی را معلول ضعف هم‌بستگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند و چنین نتیجه می‌گیرد که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی متقابل و قوی وجود داشته باشد بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن هم‌بستگی ندارند؛ قادر به اعمال و کنترل بر اعضای خود خواهد بود. او می‌گوید که هرچه هم‌بستگی بین جوانان، والدین و بزرگسالان استوارتر باشد، جوانان بیشتر به مدرسه و دیگر فعالیت‌های مقبول اجتماعی علاقه‌مند می‌شوند و هرچه بیشتر اعتقادات و جهان‌بینی مرسوم و مطلوب محیط اجتماعی را قبول کنند و به آن معتقد باشند، کمتر کج‌رو و مجرم می‌شوند. وی چهار عامل را به‌عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر - چهار عامل کنترل‌کننده رفتار - معرفی می‌کند.

1. دل‌بستگی:

به معنای میزان وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی است. به نظر او افراد فاقد این دل‌بستگی، نگرانند که مبادا روابط اجتماعی آنان به خطر بیفتد. بنابراین احتمال بیشتری دارد که به کج‌روی روی آورند

2. تعهد:

به معنای میزان پذیرش هدف‌های مرسوم جامعه و احساس مسئولیتی است که فرد نسبت به جامعه در خود احساس می‌کند. فرد متعهد دلیل بیشتری دارد تا برای حفاظت از دست‌آوردهای خود با دیگران هم‌نوا باشد.

3. مشارکت:

به معنی میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است چراکه به نظر هیرشی کسانی که گرفتار کار و زندگی و سرگرمی هستند، فرصت کمتری برای درگیر شدن در فعالیت‌های کج‌روانه دارند.

4. باور: یعنی میزان اعتقاد فرد به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی جامعه و وفاداری به آن‌هاست چراکه افراد بی‌اعتقاد و بی‌وفا، نسبت به هنجارهای جامعه، تمایل کمتری دارند و بیشتر مرتکب کج‌روی شوند

دل‌بستگی به ارتباط روان‌شناختی و هیجانی که فرد نسبت به فرد یا گروه‌های دیگر احساس می‌کند، اشاره دارد و موجب توجه به عقاید و احساسات فرد دیگر می‌شود. تعهد حاصل رویکرد هزینه - فایده به بزهکاری است و اشاره است به سرمایه‌های اندوخته در اصطلاح هم‌نوایی (همچون زمان، پول، تلاش و جایگاه) در مقابل هزینه‌های برآوردشده یا ناهم‌نوایی. درگیری اشاره به مشارکت در فعالیت‌های متعارف و قانونی دارد. باورها شامل پذیرش نظام ارزشی متعارف است و مهم این که این چهار ارتباط مثبتی با هم دارند نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که اگر بخواهیم از تمایلات مجرمانه و بزهکاری جلوگیری کنیم، باید همه افراد جامعه چه جوان و چه بزرگسال را کنترل کنیم. کنترل اجتماعی، سازوکاری است که جامعه برای واداشتن اعضایش به سازگاری و جلوگیری از ناسازگاری به کار

می‌برد نظریه جان بریت ویت در خصوص کنترل اجتماعی کنترل از طریق شرمنده سازی صورت می‌گیرد و شرمنده سازی به دو صورت شرمنده سازی جدا کننده (مثل بد نام شدن مجازات، طرد شدن) و شرمنده سازی پیونده دهنده (مثل بخشش، گذشت، رفتارهای ترمیمی به قصد بازسازی رفتار) است. شرمنده سازی جدا کننده در یک جامعه سنتی و کوچک جاری است ولی شرمنده سازی پیوند دهنده در جوامع بزرگ جاری است. در واقع شرمنده سازی پیوند دهنده نادیده گرفتن و فرصت دادن به متخلف به منظور بازسازی رفتار است. نکته: شرمنده سازی نوعی کنترل اجتماعی به صورت غیررسمی می‌باشد. رویکرد کنترل‌های بازدارندگی مثل بازداشت، زندان، اعدام این رویکرد معتقد است که افراد فرصت داشته باشند شروع به کار خلاف و نابهنجار انجام دهند. لذا برای جلوگیری از بروز این حرکات نابهنجار باید عوامل از قبیل زندان، بازداشت و ... باشد و برحسب شدت، سرعت و قطعیت تعیین کننده می‌باشد. این رویکرد را رویکرد نظامی گرایانه گویند که توأم با قوه قهریه می‌باشد و برخی معتقدند که این رویکرد عکس جواب می‌دهد.

مطالب اضافه شده

(نظریه بوم شناختی انحراف :

گروهی / مکتبی / جمعیتی بودند در شیکاگو، که برای خودشان مکتب شیکاگور را تشکیل دادند. این افراد هدف اصلیشان جامعه شناسانی بودند که روی مباحث انحرافات اجتماعی بحث می‌کردند که به این افراد مکتب شیکاگو میگفتند. آنها ابراز می‌داشتند که هرچقدر شهرها بزرگتر میشود ناخودآگاه محله‌ها هم بزرگتر میشود و محلات، فرهنگها، خرده فرهنگهای بیشتری تشکیل میشود و تعدد این خرده فرهنگها در شهری بزرگ باعث عدم تطابق و وجود ناهنجاری میشود. بحث محوری اصلی این گروه این است که با بزرگتر شدن شهر کنترل اجتماعی کمتر می‌شود. آقای پارک وبرگس که از اسامی از مکتب بوم شناختی انحراف است می‌گوید در شهرنشینی یک سری متغیرهایی وجود دارد مثل قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت که روی انحرافات تاثیرگذار است. قومیت: بعضی از اقوام هستند که یکسری ناهنجاری‌ها را، هنجار می‌دانند.

مهاجرت: از یک شهر به شهر دیگر / از شهر کوچک به شهر بزرگ / از یک کشور به کشور دیگر، چون تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد می‌تواند ناهنجاری ایجاد کند.

محله سکونت: پایین، بالا، مرکز شهر هستید. در قرار گرفتن در قشر فقیر و مرفه تأثیرگذار است.

براساس نظریه وبرگس در هر شهر 5 قسمت وجود دارد (شهر به 5 منطقه از نظر انحرافات اجتماعی تقسیم می‌شود:

- 1- منطقه تجاری- مرکزی: یک منطقه مثل بازار تهران / جمهوری / هفت تیر / ولیعصر که مناطق تجاری هستند.
- 2- منطقه انتقالی: مثل شوش - سطح بالای تحرک جمعیت را داریم. کسانی که صبح می‌روند شوش کار میکنند و شبها می‌روند ورامین می‌خوابند. نرخ بالای مهاجرت: تراکم این جمعیت در منطقه زاد و ولد زیاد می‌باشد.
- 3- منطقه سکونتگاهی کارگران: جاهایی مثل شهرک‌های خوابگاهی که بیشتر کارگران اینجاها زندگی می‌کنند.

مثل پردیس / پرنده

4- منطقه متوسطه

5- منطقه با کمترین جرم : امن

هرچه شهر بزرگتر انحرافات بیشتر است در این شهر نوجوانان و جوانان بیشتر هنجارها و سنتها و ارزشهای خانواده خودشان را قبول اکثراً قبول ندارند و کنترلی بر آنها نیست. آنها ارزشهای خود را معیار قرار میدهند دوستان خودشان را پیدا می کنند و ارزشهای جدید پیدا می کنند و یا از برنامه های ماهواره سبک جدید پیدا میکنند. این نوجوانان هیچ ریشه فرهنگی و تاریخی نخواهند داشت و اصطلاحاً دچار انحراف می شوند. در شهرهای بزرگ مهاجرت زیاد رخ میدهد از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ یا از روستاها به شهرها، این مهاجران اکثراً افرادی هستند که از لحاظ مالی خیلی ضعیف هستند که معمولاً در حاشیه شهرها ساکن میشوند، منطقه ای ضعیف که هرکدام با فرهنگ های مختلف با شرایط اقتصادی پایین، طبیعی است که چه اتفاقاتی درونش رخ می دهد.

نظریه یادگیری فرهنگ جامعه، نظریه پیوند، نظریه برگس، نظریه بوم شناسی

چهار اسم دارد: 1- نظریه یادگیری 2- انتقال فرهنگ جامعه 3- پیوند افتراقی 4- معاشرت و همنشینی با اغنیا

ما همانطور که کارهای خوب را از همدیگر یاد میگیریم کارهای زشت را هم یاد میگیریم/ بایدها را یاد میگیریم ، نبایدها را هم یاد میگیریم / هنجارها و ارزشها/ انسان خاصیتش یادگیری است حالا این یادگیری می تواند مثبت باشد یا منفی. پس باید آموزش را از مدارس آغاز کنیم.

اصول اصلی نظریه یادگیری و یا پیوند اختراقی :

- 1- فرد از کودکی اعتیاد، خشونت طلبی، دزدی یاد گرفته است.
- 2- کمال همنشین در فرد تاثیرگذار است.
- 3- اولین چیزی که در یادگیری مهم است ارتباط چهره به چهره و رو در روست. بعد رسانه های جمعی مثل تلویزیون
- 4- تکنیک : مثلاً جیب بری ، تکنیک تبهکاری ، انگیزه های تبهکاری میتواند شامل فقر و بدبختی های باشد که فرد در طول زندگی متحمل شده / بدست آوردن پول به دلیل کمبودها

بسط و گسترش نظریه یادگیری توسط برگس - ایگرز

یادگیری از بدو تولد / هم نکات مثبت هم نکات منفی را یاد میگیریم / انگیزه بسیار مهم است/ تشویق و تنبیه / مثلاً اگر فردی کار خوبی میکند ولی تشویق نشود و حتی تنبه شود باعث منحرف شدن او و سپس جامعه می شود. یعنی باید بدانیم کجا باید تشویق کنیم کجا تنبیه! کودکی که کار خوبی انجام میدهد و ما او را تشویق نمیکنیم دیگر آن کار را انجام نمی دهد. یا برعکس وقتی کار بدی میکند و تنبیه نمیشود صد دفعه دیگر آن کار را انجام میدهد.

انتقادهای وارد بر نظریه یادگیری :

- 1- در نظریه یادگیری گفتیم انسان خوبی ها و بدی ها را یاد میگیرد پس انسان منفعل می باشد . انسانی بی اراده است که هرکاری میبند یاد میگیرد ، ما خوبی ها و بدی ها را میبینیم و قدرت اختیار داریم/ یعنی هرکاری میتوانیم انجام دهیم ولی میتوانیم خودمان انتخاب کنیم.
- 2- در نظریه یادگیری بیان نشده که ریشه یادگیری های چیست. ریشه انحرافات چیست؟
- 3- خشونت آنی : گاهی اوقات دونفر دعوا میکنند و در درگیری با هل دادن دیگری باعث ضربه خوردن به سرش می شود و فوت میکند. این مرگ آنی است.
- 4- نظریه ساترلند: انسان مثل ماشین است که هرچی بهش بگویند انجام می دهد.

نظریه تقلید گابریل :

انسانها علاوه بر آنچه که یاد میگیرند و در بحث یادگیری گفتیم در میان همسن و سالها و ارتباط چهره به چهره یاد میگیریم و تقلید هم می کنیم. تقلید برعکس یادگیری است. یادگیری ارتباطات جمعی از ارتباطات میان فردی اثرگذارتر است.

نظریه پنجره های شکسته (جیمز ویلسون و جورج کلینگ) :

اگر شما یک شیشه را بشکنید بعد هیچ کس چیزی به شما نگوید و بعد باز هم شیشه دیگری میشکنید و باز هم چیزی به شما نگویند ، میزنید کل شیشه را خورد می کنید، چرا؟ چون کسی نیست چیزی به شما بگوید و حتی دیگران میگویند فلانی این کار را کرد ولی هیچ مشکلی برایش پیش نیامد. یعنی وقتی از یک انحراف کوچک چشم پوشی شود این انحراف بزرگ می شود. این نظریه کلا مطرح می کند که نباید در مقابل انحرافات که در خانه خودمان، مدارسمان، رخ میدهد سکوت کنیم باید آنرا درجا ریشه کن کنیم. درغیراین صورت ریشه دار شده و هم خود فرد را دچار انحرافات بیشتر میکند هم در جامعه سرایت میکند.

نظریه کنترل اجتماعی :

- 1- خانواده
- 2- مدارس
- 3- جامعه

در نظریه کنترل اجتماعی ما هرچقدر با اجتماع / خانواده / مدرسه/ همکاران/ دوستانم بیشتر صمیمی باشم انحرافات کمتر میشود. یا برعکس از دیگران دور باشم و در انزوا و تنهایی باشم دوست صمیمی نداشته باشم، در خانواده گرم نگیرم با مورد قبول نباشم ، در جمع همکارانم نباشم، بیشتر دچار انحرافات میشوم، یعنی انحرافات

بیشتر در افراد انزوا طلب است، پس افرادی که با اجتماع صمیمی تر هستند هم نواتر هستند و برعکس باعث انحرافات می شود.

چهار عامل مطرح میشود برای کنترل کردن رفتار افراد :

- 1- دلبستگی : خیلی از انحرافات اجتماعی مثل طلاق به خاطر کمبود محبت در خانواده است. یا بچه هایی که دزدی میکنند اکثرا محبت خانواده ندیدند. هرچقدر یک خانواده منسجم تر باشد و دلبستگی در میان افراد آن بیشتر باشد کمتر دچار انحرافات اجتماعی میشود. مثلا هرچقدر زن و شوهر و بچه ها به هم وابسته تر باشند وفاداری بین آنها بیشتر است.
- 2- تعهد : ما انسان ها اگر تعهد داشته باشیم و متعهد و مسئولیت پذیر باشیم یعنی کاری را که به ما سپرده اند با تعهد و مسئولیت بالا انجام دهیم انحرافات کمتر می شود. مثل مردی که در خانواده مسئولیت و تعهد این رو داشته باشد که درآمد کسب کند و معاش خانواده را تامین کند کمتر دچار انحرافات می شود.
- 3- مشارکت : هرچقدر انسان مشغول تر باشد دیگر نمی رسد به یکسری کارهای بیهوده. اگر مشغول کار و زندگی و مسائل از این قبیل باشد کمتر دچار انحرافات میشود.
- 4- باور : یعنی اینکه من باور داشته باشم در جامعه باید هنجارها و ارزشها را رعایت کنم هر آدمی به تنهایی باید هنجارها و ارزشها را بداند و رعایت کند و در این صورت آن شهر گلستان می شود.

نظریه شرمنده سازی (جان بریت) :

شرمنده سازی یعنی انسانی که خطا کرده در قبال آن جرمی که مرتکب شده، پاسخ بدهد. پاسخ دادن به انحرافات اجتماعی می شود شرمنده سازی. هر واکنشی / پاسخی / عکس العملی که به انحرافات داده می شود شرمنده سازی است.

شرمنده سازی دو مدل دارد:

- 1- جداکننده است : همان تنبه است / زندانی کردن فرد خاطی / شلاق زدن او / جریمه مالی . اینها توبیخ است و میشود جداکننده.
- 2- پیونددهنده است : بخشش است / کسی که مرتکب قتل شده ولی او را میبخشند.

انتقادهای وارده بر نظریه کنترل اجتماعی :

از کجا بفهمیم که یک چیزی انحراف است یا نه؟ اگر اکثریت جامعه آنرا انحراف بدانند. که در جامعه های بزرگ و صنعتی کار آسانی نیست.)